

# کشور مسلمان مالزی؛ الگوی برای

پروفسور صادق مسرت



اشاره: پروفسور صادق مسرت مقاله‌ای درباره مالزی برای نشریه ارسال نمودند که با خواندن آن، به یاد خاطرات گذشته‌ام [لطف‌الله میثمی] از مالزی افتادم. در سال‌های ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۰ که در صنعت نفت ایران در حوزه خلیج فارس و جزیره لاوان کار می‌کردم، شغل من ایجاد می‌کرد که با ملوانان کشتی‌ها نشست و برخاست و گفت‌وگو داشته باشم. آنها که به بیشتر بندرگاه‌ها رفت‌وآمد داشتند می‌گفتند بخشی از زمانی که وسیله عیش و عشرت را در بندرگاه‌ها فراهم می‌کنند از مالزی به آنجا می‌آیند و از فساد در کشور مالزی صحبت‌هایی کرده‌اند. اما گذشت ایام نشان داد که مالزی در پرتو رهبری ماهاتیر محمد آن هم بدون درآمد نفت و گاز به مرحله‌ای از رشد اخلاقی و توسعه ناقل شد که دیگر آن مسائل رخت بر بست. پس از انقلاب بهمن سال ۱۳۵۷، مملکت ما

از انواع نعمات بهره‌مند بود، مانند اسلام، دانشمندان، مفسران قرآن و نهج البلاغه، درآمد ۵۰ میلیارد دلاری نفت، گاز، معادن و... ولی اکنون شاهد آسیب‌های اجتماعی فراوانی هستیم؛ مردان و زنان خیابانی، صدور دختران معصوم به شیخ نشین‌ها، چند میلیون معتاد، که با در نظر گرفتن خانواده‌هایشان بیش از ۱۵ میلیون نفر می‌شوند، قاچاق مواد مخدر، قاچاق کالا و بنادر نامریی و... به طوری که حتی دکتر احمدی نژاد نیز به مافیای ثروت و قدرت اشاره می‌کند که از پله‌های ثروت به قله قدرت رسیده‌اند. این معنا را بهتر باید عمل کرد؛ امیدوارم مسئولان ما با بعضی کفایت و مناسب به مردم بدهند.

\*\*\*

در میان ممالک آسیای جنوب غربی که مستوره‌های پیشین کشورهای پرتغال، اسپانیا، هلند و بعدها فرانسه و انگلستان بودند، مالزی و اندونزی دو کشوری هستند که به ترتیب ۶۰ و ۸۲ درصد مردم آن مسلمان می‌باشند. از میان این دو کشور، مالزی با این‌که شمار مسلمانان آن کمتر از اندونزی است، خود را متعلق به جهان اسلام و دارای مذهب رسمی اسلام می‌داند. روسای این کشور به این‌که نمایندگی دوره تمام کشورهای اسلامی و همچنین جنبش کشورهای غیرمتعهدها را داشته‌اند، مفتخر بوده و در گفت‌وگوهای بین‌المللی خود با کشورهای دیگر بر آن تأکید می‌کنند. از سوی دیگر، کشورهای اروپایی و غربی، کشور مالزی را پیشرفته‌ترین کشور اسلامی می‌دانند. از این دو جهت برای مردم کشور ما و مسولان محترم آن مهم است که شرایط کشور

مالزی و عواملی که در پیشرفت این کشور در مدت زمان کمتر از ۲۵ سال تأثیرگذار بوده را مورد مطالعه قرار دهیم و همچون الگویی کاربردی و راهبردی برای مملکت خود در نظر بگیریم.

کشور مالزی، شبه‌جزیره‌ای است که از شمال به تایلند و از چند سو به دریا متصل است که در غرب با جزیره سوماترا و اندونزی فاصله کمی دارد و در جنوب هم با کشور کوچک سنگاپور همسایگی دارد. یک قسمت دیگر مالزی با فاصله دریایی ۶۰۰ کیلومتر در شمال جزیره برنئو (Borneo) قرار دارد که در ترکیب اجتماعی و قدرت دولت نقش ندارد. جمعیتی برابر ۲۴ میلیون نفر دارد. بخصوص با ممالک همجوار و نزدیک تایلند، چین و هندوستان، اندونزی و دیگر کشورهای آسیایی دادوستد می‌کند.

در زمانی که سواحل جنوب غربی این کشور در پنج قرن پیش هنوز به وسیله پرتغالی‌ها تصرف نشده بود، بیشتر مردم این کشور تحت نفوذ جزیره سوماترا و دادوستد با

کشورهای غربی به اسلام روی آوردند و حکمرانان محلی هم به اجبار در نقاط مختلف این مملکت به دین اسلام گرایش پیدا کردند و نام سلطان را برای خود انتخاب کردند. سلطان‌ها به علت عدم پشتیبانی مردمی و دشواری‌های مختلف برای حفظ قدرت منطقه خود مجبور به انتخاب هم‌پیمان قوی بودند. هجوم پرتغالی‌ها از بندر Goa در هندوستان به طرف شرق و شبه‌جزیره مالزی فرصت خوبی برای سلطان‌ها جهت دریافت کمک نظامی از پرتغالی‌ها بود و پرتغالی‌ها هم با دادن توپ و چند کشتی به بعضی از حاکمان سواحل مالزی حکومت خود را با مهاجمان اروپایی تقسیم کرده و کم‌کم امکان تسلط اروپایی‌ها را بر تمام سواحل این شبه‌جزیره به وجود آوردند و مهاجمان اروپایی هم ابتدا با داشتن پایگاه کوچک، قدرت خود را به مرور بسط داده و اختیارات سلطان‌ها را محدود، ولی حاکمیت آنها را به عنوان سلطان بر مناطق کوچک‌تر بر مردم تحمیل می‌کردند. در طی دو تا سه قرن، پرتغالی‌ها با جنگ و شکست جای خود را به اجبار به هلندی‌ها و سرانجام به انگلیسی‌ها دادند. استعمارگران اروپایی برای استفاده از منابع طبیعی این شبه‌جزیره ناچار به جذب نیروی کار از کشورهای مجاور بویژه چین و بعدها هندوستان به این شبه‌جزیره شدند. مردم چین بیشتر در سواحل شمال غربی جزیره سکونت یافتند، به طوری که در اوایل قرن بیستم، ۲۵ درصد مردم مالزی، چینی بودند.

سلطان‌های حاکم بر مناطق مختلف مالزی به علت وابستگی خود به استعمارگران اروپایی توانستند نفوذ خود را تنها در زمان حاکمیت اروپایی‌ها ببلنگه پس از استقلال مالزی در سال ۱۹۵۷ به عنوان سلطان در ۹ منطقه مختلف حفظ کنند. در اول جنگ جهانی دوم، ژاپنی‌ها با تصرف کشورهای جنوب غربی آسیا از جمله سنگاپور و مالزی انگلیسی‌ها را از این کشور بیرون کردند. مردم منطقه هندوچین (ویتنام، کامبوج و لاوس) توانستند خود را از زیر تسلط انگلیسی‌ها خارج کنند و راه استقلال را در پیش گیرند. مردم مالزی به علت اختلافات قومی بویژه بین چینی‌ها و مسلمان‌ها از یکسو و بین سلطان‌های حاکم بر مناطق مختلف اوسوی دیگر و تلوذ حزب کمونیست دچار جنگ‌های داخلی شده و نتوانستند مانند سنگاپور و کشورهای هندوچین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم استقلال خود را کسب کنند و با وجود منابع ثروت زیاد کشور بویژه کائوچو که نیمی از مصرف جهانی را تأمین می‌کرد و قلع‌گه اولین صادرکننده در جهان بود دچار جنگ‌های داخلی شده و نتوانستند از این ثروت طبیعی خود بهره‌مند شوند. پس از

**کشور مالزی، شبه‌جزیره‌ای است که از شمال به تایلند و از چند سو به دریا متصل است که در غرب با جزیره سوماترا و اندونزی فاصله کمی دارد و در جنوب هم با کشور کوچک سنگاپور همسایگی دارد**



و روغن های گیاهی، یک کشور حاصلخیز است. جالب آنکه هوای مرطوب و بارانی و گرم آن در خیلی از مناطق تولید برنج و خیلی از محصولات کشاورزی را سه مرتبه در سال ممکن می‌سازد. در دهه اول سال های استقلال به علت اختلافات فراوان قومی و عدم امکان استفاده از منابع ثروت، بیش از ۷۰٪ مردم در زیر خط فقر زندگی می‌کردند. با پیگیری سیاست آشتی جویانه بین همه گروه‌ها چه مسلمان، چه چینی تبار و هندوتبار و رهبری مدبرانه آقای ماهاتیر محمد با ایجاد امنیت و کسب وفاق ملی و جذب سرمایه های خارجی، این کشور توانست در فاصله ۲۰ سال از یک

مملکت فقر به مملکت پیشرفته و ثروتمندی تبدیل شود و درآمد سالانه ۳/۱ میلیارد دلار دهه اول بعد از استقلال خود را پس از این مدت به ۱۸۸ میلیون دلار در سال ۲۰۰۳ برساند که ۱۰۰ میلیارد دلار آن فقط به صادرات کشور مربوط می‌شود و ۸۰٪ صادرات شامل مواد ساخته شده و آماده برای مصرف از نوع فرآورده های شیمی و پتروشیمی و دستگاه های اندازه گیری های صنعتی، علمی، الکترونی مواد حاصله از چوب و کائوچو و روغن گیاهی و دیگر مواد غذایی است. بعد از صادرات این مواد، درآمد مهم مالزی از صنعت توریسم است که در ده سال اخیر به طرز چشمگیری افزایش یافته است. پس از درآمدهای صادراتی، صنعت توریسم دومین درآمد مهم کشور را تشکیل می‌دهد.

در سال ۲۰۰۳، ۱۳ میلیون نفر گردشگر از کشورهای اروپایی و کشورهای عربی خلیج فارس به مالزی سفر کردند و این تعداد سال به سال رشد حدود ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. درآمد متوسط هر مالزیایی در سال گذشته از تمام کشورهای مجاور و نزدیک به

کسب استقلال در ۱۹۵۷ و آمادگی مسلمان ها و اقلیت های قومی برای قبول سه اصل آزادی در انتخاب دین و پیروی از آن، انتخاب زبان مالزی به عنوان زبان رسمی و اسلام به عنوان دین رسمی کشور و مورد احترام ۴۰ درصد اقلیت غیرمسلمان کشور در انتخابات اکثریت آرا را به دست آورده و توانستند به جنگ های داخلی پایان دهند و نفوذ کمونیست ها را که از جنگل ها به شهرها حمله می‌کردند از بین ببرند.

در جریان این کشمکش های قومی، مردم مالزی با قبول ملیت بعضی از افراد چینی و هندی که در چند دهه گذشته برای استخراج منابع قلع و همچنین تولید کائوچو جذب کار در مالزی شده بودند و با حزب کمونیست هم همکاری می‌کردند مخالفت می‌کردند؛ ولی برای کسب استقلال و سرانجام ایجاد صلح، چاره ای نبود که توافق کنند و تقاضای ملیت مالزیایی اقلیت های مهاجر را بپذیرند. به شرط آن که زبان مالزیایی را به عنوان زبان اصلی مملکت انتخاب کرده و با آن صحبت کنند. در این جریان برادر یکی از سلطان های منطقه هم به نام عبدالرحمن که رهبر حزب اتحاد ملی جدید (UMNO) شده بود، نقش بسزایی در ایجاد وحدت داشت و برای این که ۱۱ استان را در تشکیل کشور مالزی با پابختی کوالالامپور با هم متحد کنند، سلطان ها هم اختلافات خود را کنار گذاشتند و حاضر شدند که تابع نظر نمایندگان انتخابی برای پارلمان بشوند. در سال ۱۹۵۷ استقلال کشور مالزی به نام مردکا (Merdeka) از سوی بریتانیا مورد پذیرش قرار گرفت. سلطان ها

**در سال ۲۰۰۳، ۱۳ میلیون نفر گردشگر از کشورهای اروپایی و کشورهای عربی خلیج فارس به مالزی سفر کردند و این تعداد سال به سال رشد حدود ۱۰ درصدی را نشان می‌دهد. درآمد متوسط هر مالزیایی در سال گذشته از تمام کشورهای مجاور و نزدیک به مالزی مانند تایلند، فیلیپین و اندونزی بسیار بالاتر بوده است**

که در منطقه حزب مالزی برای خود، کاخ ها و زمین داشتند، قرار گذاشتند که بین خود یک نفر را انتخاب کنند که فقط برای ۵ سال به عنوان پادشاه کشور مالزی در کاخ سلطنتی کوالالامپور حکومت کند و بعد از آن جای خود را به سلطان دیگری بدهد. ابتدا سلطان ها فشار می‌آوردند که قوانینی که از مجلس مالزی می‌گذرد، هنگامی قابلیت اجرایی دارد که به امضای آنها برسد و از امضای بعضی از قوانینی که منافع آنها را محدود می‌کرد ایا داشتند. ولی بعدها روسای دولت، قوانین را بدون امضای پادشاه خود اجرا می‌کردند و به مرور زمان اهمیت و قدرت پادشاه و سلطان های مناطق مالزی جبهه تشریفاتی پیدا کرد و این تحول به ایجاد وحدت و قدرت حاکمیت مردمی مالزی کمک زیادی کرد.

مالزی همان گونه که ذکر شد، به علت تولید بسیار بالای کائوچو و منابع قلع که حدود نیمی از مصرف جهان را تأمین می‌کند و داشتن هوای مرطوب و باران زیاد و زمین های سبز و خرم برای تولیدات مختلف بویژه برنج

توریسم

مالزی

مالزی مانند تایلند، فیلیپین و اندونزی بسیار بالاتر بوده است. با وجود این که هنوز اختلاف طبقاتی چشمگیری بین مردم مالزی وجود دارد و چینی ها که بیشتر در ساحل غربی و شمال مالزی زندگی می کنند سهام بزرگ شرکت های صنعتی و تجارتن را در دست دارند و از نظر اقتصادی، صنعتی و علمی به علت امنیت موجود در مملکت و صلح بین همه قومیت ها کمک مهمی به پیشرفت مملکت در جذب سرمایه از کشورهای صنعتی و همکاری با آنها نموده و قادر به ساخت ماشین های صنعتی پیچیده می باشند، از وضع بهتری نسبت به دیگران برخوردارند و نقاط مسلمان نشین ساحل شرقی این شبه جزیره که مناطق کشاورزی و برنج کاری را تشکیل می دهد درآمد کمتری را دارند. در حالی که یک کارگر ساده در یکی از کارگاه های اطراف پایتخت، حقوق ماهانه ۱۰۰۰ تا ۱۵۰۰ رینگیت که برابر ۲۵۰ تا ۴۰۰ دلار در ماه است دارد، در مناطق شرقی این مملکت حقوق ماهانه نصف یا دو سوم این مبلغ است. میانگین میزان درآمد هر فرد مالزیایی به طور متوسط در سال گذشته ۳۴۰۰ دلار بوده است که از تمام کشورهای همجوار و جنوب غرب آسیا جز ژاپن و کره جنوبی زیادتر است.

طول متوسط عمر در اثر بهبود شرایط اقتصادی در مردها به ۶۹ سال و در زن ها به ۷۴ سال رسیده است. شهر کوآلا لامپور دارای ساختمان های فراوان و آسمان خراش های پراکنده در تمام نقاط شهر و جاده های تندرو، پل های هوایی و خط متروی زیرزمینی و هوایی است. فرودگاه عظیم و زیبای پایتخت و اتوبان های شمال به جنوب آن کشور با داشتن مرز میانی پر گل و گیاه و جاده های فراوان بین شهری، همه در ۱۰۱۵ سال اخیر با سرعت چشمگیری ساخته شده اند. هتل های فراوان و بزرگ در همه شهرهای ساحلی و میانی با کیفیت بالا، امکان جذب گردشگران را بویژه از کشورهای اسلامی و عرب فراهم کرده است. در شهرها مساجد فراوان وجود دارند که با صدای اذان کوتاه مدت و چند مرتبه در روز، مسلمانان را به نماز دعوت می کنند و جای بسیار تعجب است که گاهی در فاصله کمی از مساجد بویژه در مناطقی که جوامع اقلیت مذهبی بیشتر زندگی می کنند، معابد چینی ها و هندی ها دیده می شوند و به نظر می رسد که مسلمانان با اقلیت ها هر کدام به حقوق همدیگر احترام گذاشته و از مشاجره و

دشمنی پرهیز می کنند. در کشور اسلامی مالزی دنیوی دادگاه وجود دارد، یکی دادگاه دولتی است که به دعوی اقتصادی و حقوقی افراد جامعه رسیدگی می کند و دیگر دادگاه مذهبی اسلامی که به جرایم ناشی از ازدواج و خانواده و شریعت اسلامی می پردازد. در حالی که مسلمان ها کاملاً مطابق دستورات شرع اسلام زندگی می کنند، گروه های غیر اسلامی جامعه با احترام به مذهب رسمی مملکت، با آزادی تمام در محیط خود از آداب و رسوم مذهبی و فرهنگی و سنتی و اجتماعی مخصوص خود تبعیت کرده، ولی از ورود جوانان مسلمان به جشن های خود که مخالف شعور اسلامی است، خودداری می کنند. اقلیت ها و جمعیت چینی تبار کاملاً آزادی فاسس مدارش که در آن فرزندان خود را به زبان های خود آموزش می دهند، دارند، ولی همه دانش آموزان باید زبان رسمی مملکت یعنی مالزیایی را یاد گرفته و بدین وسیله به حفظ وحدت مالزی کمک کنند.

استقرار سیاست احترام متقابل اقلیت های بزرگ ۴۰ درصدی مالزی و اکثریت ۶۰ درصدی مسلمان مالزی به هم، روند بسیار مشکل و پیچیده ای را طی کرده که مدیون فعالیت مدبرانه رهبران مسلمان مالزی بوده است که خود را تابع شریعت اسلامی و حفظ حقوق همه ساکنان مالزی می دانند. واقعاً اگر به تاریخ این مملکت مستعمره با سابقه جنگ ها و نزاع های قومی قبل از استقلال و در ۱۰ سال پس از آن رجوع کنیم و در نظر بگیریم که مردم این سرزمین ثروتمند در چه فقر و فلاکتی در آن دوره به سر می بردند و حال در این ۱۰ سال اخیر به علت همزیستی صلح جویانه و احترام به حقوق همدیگر چه پیشرفت چشمگیری داشته و رفاه عمومی را برای طبقه محروم جامعه به دست آورده اند، به اهمیت نیروی وحدت که این تحول را به وجود آورده است پی می بریم.

سیاست رهبران مالزی را باید یک سیاست موفق و الگو برای تمام ممالک اسلامی که در آن همکاری شاخه های قومی و مختلف مذهبی باعث ایجاد تحول و پیشرفت اقتصادی شده است، بدانیم. آقای عبدالله احمد بدوی نخست وزیر کنونی اندونزی که سیاست نخست وزیر محبوب قبلی مالزی آقای ماهاتیر محمد را تعقیب می کند، می گوید که رهبران مذهبی ممالک اسلامی باید سیاست متوازن و مقبولی را پیش بگیرند و در مقابل عقاید تندرو که از مذهب به عنوان وسیله ای برای ایجاد دشمنی و خشونت در جامعه استفاده می کنند، مقاومت کنند. □

**مردم مالزی به علت اختلافات قومی بویژه بین چینی ها و مسلمان ها از یک سو و بین سلطان های حاکم بر مناطق مختلف از سوی دیگر و نفوذ حزب کمونیست دچار جنگ های داخلی شده و نتوانستند مانند سنگاپور و کشورهای هندوچین بلافاصله پس از جنگ جهانی دوم استقلال خود را کسب کنند و با وجود منابع ثروت زیاد کشور بویژه گانوجو که نیمی از مصرف جهانی را تأمین می کرد و قلع که اولین صادر کننده در جهان بود دچار جنگ های داخلی شده و نتوانستند از این ثروت طبیعی خود بهره مند شوند**

شهر بندر نوبو ۱۳۸۳  
تاریخ  
۱۳۸۳